

جایگاه نماز در آیین پیامبران (۱): نماز و آدم (ع)

حضرت آدم (ع) پس از بیرون آمدن از بهشت و هبوط به زمین ، چهل روز در کوه صفا واقع در نزدیک بیت حق اقامت داشت .

آن روزها به خاطر دوری از مقام قرب و هبوط از مقام علم الاسماپی و از دست دادن جوار ملکوت و هجران بهشت وصال محبوب ، در حالی که صورت به خاک داشت همچون ابر بهاران سرشک از دیده می ریخت .

تفسیر علی بن ابراهیم قمی در حدود قرن سوم هجری ، یعنی نزدیک به عصر امام حسن عسکری (علیه السلام) ، به رشته ی تحریر درآمده است .

بزرگان از علمای امت اسلامی و دانشمندان وارسته ، امثال علامه ی طباطبایی صاحب تفسیر المیزان ، به این تفسیر اطمینان نموده و بسیاری از مطالب آن را در کتب فقهی و تفسیری و اخلاقی خود نقل کرده اند .

نویسنده ی تفسیر جناب علی بن ابراهیم (۱) در توضیح آیه ی شریفه ی (**فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ**) (۲) روایتی را از قول پدرش ، از ابن ابی عمیر ، از ابان بن عثمان ، از امام ششم (علیه السلام) نقل می کند که با توجه به اینکه کتب رجال شیعه از قبیل رجال کشی ، جامع الرواة اردبیلی ، قاموس الرجال شوشتری ، معجم الرجال خویی ، سندش را صددرصد معتبر دانسته اند ، نشان دهنده ی مسئله ی نماز در زمان حضرت آدم (علیه السلام) است ، برگردان فارسی روایت تا آنجا که لازم و نقطه ی شاهد است از نظر عاشقان نماز می گذرد :

* آدم پس از بیرون آمدن از بهشت و هبوط به زمین ، چهل روز در کوه صفا واقع در نزدیک بیت حق اقامت داشت .

آن روزها به خاطر دوری از مقام قرب و هبوط از مقام علم الاسماپی و از دست دادن جوار ملکوت و هجران بهشت وصال محبوب ، در حالی که صورت به خاک داشت همچون ابر بهاران سرشک از دیده می ریخت .

امین وحی از جانب حضرت معبود - که جز لطف و محبت و احسان و مرحمت به بندگان ندارد - بر او نازل شد و سبب ناله ی جگرسوز و دلخراش او را پرسید . در پاسخ آن فرشته گفت : چرا ناله نکنم و اشک از دیده ندارم ؟ مگر نه این است که خدای عزیز مرا به خاطر بی توجهی به خواسته ی خود از مقام قرب رانده و از جوار رحمت خویش محروم نموده و مسکنم را در خاک دلت و بر غبار مسکنت قرار داده ؟

فرشته ی وحی بدو گفت : به پیشگاه لطف دوست برگرد و وجود خود را به زینت توبه بیارای .

آدم گفت : چگونه توبه کنم و چه سان به سوی حق باز گردم ؟

خداوند مهربان چون اراده ی آدم را بر جبران گذشته راسخ دید ، قبه ای از نور که جایگاه بیت را مشخص می کرد و تابش نورش حدود جغرافیایی حرم را معلوم می نمود فرو فرستاد و به امین وحی فرمان داد محل بیت را نشانه گذاری کند . چون به وسیله ی آن روشنایی ، محل

بیت و حدود حرم معلوم شد و این برنامه سامان گرفت ، فرشته ی وحی از آدم خواست آماده شود تا مراسمی را بجا آورده و دست نیاز به سوی بی نیاز برای بازگشت و توبه بردارد . روز ترویبه شروع برنامه ای بود که از فرشته ی حق تعلیم می گرفت . پدر آدمیان به دستور فرشته ی حق غسل کرد و مُحرم شد و پس از انجام آن مراسم ، روز هشتم ذوالحجه به سرزمین منی رفت و دستور گرفت که شب را در آنجا بماند .

صبح روز نهم در حالی که تلبیه می گفت به عرفات آمد . آفتاب عرفات از ظهر می گذشت . فرشته ی الهی به او گفت : از ادامه ی تلبیه خودداری کن و دوباره خود را به غسل بیارای . پس از اینکه نماز عصر را بجای آورد امین وحی به او گفت : در این سرزمین به پای خیز . چون به پا خاست کلماتی را که از خداوند برای توبه نازل شده بود به آدم تعلیم داد .

از این روایت که علاوه بر تفسیر علی بن ابراهیم ، کتابهای دیگر اسلامی هم آن را نقل کرده اند استفاده می شود که حضرت آدم که اولین انسان از نوع ما بوده از جانب حضرت ربّ مأمور به نماز بوده است ، ولی اینکه چگونگی و کیفیت و شرایط و عدد رکعات و اوقات آن به چه صورت بوده بر ما پوشیده است و دانستن آن هم چندان سودی ندارد . آنچه اهمیت دارد این است که آدم برای بجا آوردن نماز مکلف و مسؤول بوده و آیین وی همراه با حکم نماز بود .

کتاب بارزش **بحارالانوار**(۳) از کتاب پراعتبار **تهذیب** شیخ طوسی - آن فقیه والا و مفسّر بزرگ و محدّث خبیری که علامه ی حلّی درباره ی او فرموده است : « من مردی در علم و عمل نظیر او نمی شناسم » - روایت می کند که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود :

* به هنگامی که آدم از دنیا رفت و زمان نمازگزاردن بر او فرا رسید ، فرزندش هبه الله به امین وحی گفت : ای فرستاده ی حق ! پیشقدم شو تا بر جنازه ی آدم نماز گزارده شود . فرشته ی الهی پاسخ داد : خداوند جهان ما را بر به سجده بر پدرت امر کرد ، و هم اکنون در شأن ما نیست که بر نیکوترین فرزند وی مقدم شویم ، شما بر ما پیشی گیر و با پنج تکبیر - به مان صورت که بر امت محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) واجب خواهد شد - بر جنازه نماز بخوان .

از آن پس آن نماز ، واجب شد بر جنازه ی فرزندان وی قبل از دفن ، نماز میت خوانده شود .

با کمال تأسّف بسیاری از جوامع و امتهای از فرهنگ الهی دور شدند و به پرستش بتهای زنده و مرده دچار آمدند و به سبب نحسی شرك و کفر از حقایق الهیه محروم گشتند و بدتر از هر چیز ، از نماز ، این فیض عظیم الهی ، بی بهره ماندند . زندگان آن جوامع بی نماز هستند و مرده هایشان بدون بدرقه ی نماز یا دفن می شوند و یا به آتش می سوزند .

۱ - تفسیر قمی : ۱ / ۴۴ .

۲ - بقره (۲) : ۳۷ .

۳ - ج ۱۱ / ۳۶۰ .

برگرفته شده از کتاب سیمای نماز اثر حسین انصاریان